



الگوی عدل الهی با تکیه بر

تفاسیر المیزان و اطیب البیان

محسن خوشفر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

راحله رحمانی حسین آبادی^۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۱/۲۶

چکیده

مسئله عدل الهی یکی از اصول مهم اعتقادی و کلامی است. این پژوهش با هدف دست‌یابی به الگوی عدل الهی بر اساس آیات قرآن به صورت تحقیق کیفی و از روش داده‌بنیاد متنی انجام شده است. نتیجه این تحقیق، الگویی شامل عوامل عدل الهی در دو شاخه نظری و عملی است؛ به طوری که عوامل نظری شامل ویژگی‌های عدل الهی مانند دقت در محاسبه اعمال و عوامل عملی شامل روش‌های عدل الهی مانند متناسب بودن پاداش و جزا با عمل است. مصادیق عدل الهی در دو بخش مصادیق دنیوی مانند عدم تفاوت بین زن و مرد در دریافت جزا و مصادیق اخروی مانند درجه‌بندی انسان‌ها بر اساس اعمال‌شان، ابعاد کمی عدل الهی در سه بخش زمان، مکان و مخاطبان به دست آمد؛ به گونه‌ای که عدل الهی همیشه و همه‌جا چه در دنیا و چه در قیامت جاری است. آثار عدل الهی در دو بخش دنیوی و اخروی قرار دارد که نزول عذاب، نزول بلا، محرومیت‌های باطنی، روشن ساختن راه حق و باطل توسط خدا و اختیار انسان‌ها از آثار عدل الهی در دنیا و رساندن نفع یا ضرر عمل خوب و بد به صاحب عمل از آثار عدل الهی در آخرت است. محتوای عدل الهی در دو بخش اصول که شامل قبح ظلم به حکم عقل و محال بودن صدور قبیح از جانب خداوند است و سنت که شامل قضاوت الهی بر اساس حق و عدالت قرار گرفته است. انواع عدل الهی نیز شامل عدل تکوینی (به حق خلق کردن عالم)، عدل تشریحی (نفی تکلیف خارج از توان انسان‌ها) و عدل جزایی (محفوظ بودن پاداش و جزای انسان‌ها متناسب با عملشان) است.

واژگان کلیدی: عدل الهی، عدل، الگو، داده بنیاد، المیزان، اطیب البیان.

۱. دکترای تفسیر تطبیقی، مدرس حوزه و دانشگاه (Mohsenkhoshfar@yahoo.com).

۲. طلبه سطح ۴، گرایش تفسیر تطبیقی، مرکز پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای علوم انسانی اسلامی فاطمة الزهراء (ع).

(rahmani.raheleh3314@gmail.com).

مقدمه

قرآن کریم بهترین راه شناخت معارف دینی و هدایت انسان است. با توجه به تأکید فراوان قرآن کریم بر تفکر و تدبّر در آیات الهی، این یک وظیفه است که قرآن را از ابعاد مختلف مورد تأمل و تدبّر قرار داده و به مفاهیم بلندش دست یابیم، اما این شناخت دقیق، نیازمند نگاه دقیق و عمیق و تحلیل همه جانبه است. یکی از مفاهیم پرکاربرد و پرچالش در قرآن، بحث عدل الهی است؛ چراکه این اصل با کل نظام تکوینی و تشریحی عالم در ارتباط است و قبول یا رد آن می تواند کل جهان بینی ما را دگرگون سازد. سؤال اصلی این پژوهش این است که عدل الهی از منظر قرآن شامل چه عوامل و ابعادی است و چگونه می توان آن را در قالب یک الگو به نمایش درآورد؟ اکنون کتابها و پژوهش های بسیاری در زمینه عدل الهی نوشته شده است؛ از جمله *عدل الهی از دیدگاه امام خمینی و عدل الهی از شهید مطهری* و مقالاتی مانند «عدل الهی» از سیدحسن سعادت مصطفوی و «شروع و عدل الهی» از سیدحسن افتخارزاده که در بیشتر این آثار، به بیان اقسام عدل الهی، استدلال عقلی بر عدل الهی و شبهات پیرامون این موضوع پرداخته اند؛ ولی آنچه در این زمینه کم تر مورد توجه قرار گرفته است، نگاه چندجانبه به موضوع عدل الهی و در نتیجه آن، ارائه الگوی عدل الهی از منظر قرآن است. از این رو، در پژوهش حاضر که به روش داده بنیاد متنی انجام پذیرفته است، ابعاد مختلف عدل الهی از جمله عوامل، مصادیق، محتوا، آثار، انواع و ابعاد کمی عدل الهی از آیات قرآن کشف شده و به عنوان الگوی عدل الهی در قرآن ارائه گردیده است و برای این که دریافت های تفسیری منجر به تفسیر به رأی نگردد، از *المیزان فی تفسیر القرآن و اطیب البیان* استفاده گردید. علت انتخاب این دو تفسیر این است که اولاً هر دو تفسیر معاصر بوده و سبک اجتهادی موجود در این تفاسیر مزیتی است که بتوان استنباط های لازم در کدگذاری - که در روش داده بنیاد به آن نیاز است - را بتوان به راحتی انجام داد. مزیت دیگر این تفاسیر، نگاه کلامی مؤلفان آنها است و به دلیل این که موضوع این تحقیق از مباحث علم کلام است، لازم بود که تفسیری انتخاب گردد که نویسنده آن مباحث کلامی و نگرش کلامی به قرآن را مدنظر قرار داده باشد. اما تفاوتی در این دو تفسیر وجود داشت که باعث شد در این تحقیق از هر دو تفسیر استفاده گردد، این که تفسیر *المیزان* بنا به ادعای مؤلف آن، تفسیر محض قرآنی از آیات ارائه می دهد و تلاش علامه طباطبایی بر این است که حتی الامکان از روایات در فهم آیات استفاده نگردد. بنابراین با وجود قوتی که این

تفسیر در فهم معنای قرآنی به ارمغان می‌آورد، اما تحقیق را از توجّه به روایات باز می‌دارد؛ بنابراین تصمیم بر این شد که علاوه بر این تفسیر، از *اطیب البیان* - که علاوه بر اجتهادی بودن، تفسیری است که به روایات توجه ویژه دارد؛ به گونه‌ای که نویسندگان آن در مواضع مختلفی، دیدگاه روایی را دیدگاه برتر در معنای آیه انتخاب کرده است - استفاده گردد. به این ترتیب، با در نظر گرفتن این دو تفسیر، هم نگاه قرآنی محض و هم نگاه روایی به آیات تحت پوشش قرار می‌گرفت. روش تحقیق نیز چنانکه بیان شد، روش داده بنیاد متنی است؛ اما باید توجّه داشت به دلیل این که برخی از تکنیک‌های این روش مناسب با تحقیق‌های علوم اسلامی نیست، این تحقیق خود را ملزم نمی‌داند که به طور کامل از این روش تبعیت داشته باشد؛ از جمله در روایی و پایایی که در این روش به کار گرفته می‌شود، در این تحقیق مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؛ زیرا اعتبار این تحقیق، به منابع استفاده شده از جمله تفاسیر معتبری همچون *المیزان* و *اطیب البیان* است. در این تحقیق، سعی می‌شود با استفاده از این روش و با استفاده از تفاسیر *المیزان* و *اطیب البیان*، از قرآن الگوی جدید عدل الهی استخراج گردد؛ چراکه در این زمینه تنها به بیان اقسام عدل الهی که شامل عدل تکوینی، تشریحی و جزایی است - که یک تقسیم‌بندی اولیه است - پرداخته شده است، در حالی که این امکان وجود دارد که از ابعاد دیگری نیز این موضوع بررسی و تقسیم‌بندی شود و برای آن الگوی جدیدی ارائه گردد.

نوآوری این تحقیق نیز از دو جنبه قابل بیان است. نخست این که از نظر روش استنباط مؤلفه‌های عدل الهی از قرآن، از روش داده بنیاد متنی استفاده گردید که استفاده از این روش در مورد عدل الهی بدیع است و در این زمینه تا کنون هیچ تحقیقی به این روش انجام نگرفته است. دوم این که نتایجی که با این روش به دست می‌آید، جدید است و سوم این که نتیجه این تحقیق به صورت الگو معرفی شد که بیان الگوی عدل الهی نیز در تحقیق‌های انجام گرفته در زمینه عدل الهی سابقه نداشت؛ بنابراین این تحقیق از حیث روش و نتایج، دارای نوآوری است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. عدل در لغت

عدل در لغت به معنای راستی و درستی، برابری و انصاف در داوری آمده است (معلوف، ۱۳۸۰: ۱۴۵۶)؛ همچنین به معنای تقسیم کردن به طور مساوی است (راغب اصفهانی،

۱۴۱۶ق: ۳۲۵). عدل عبارت است از هر چیزی که در ذهن مردم درست، مستقیم و راست باشد و در مقابل جور قرار دارد (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۳۴۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۶۹).

۲-۱. عدل در اصطلاح

عدل حکم به عدل است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۳۸) و در روایتی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) آمده است: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»؛ عدل، قرار دادن هر چیزی در جای مناسب آن است (رضی، ۱۳۷۹، حکمت ۴۳۷).

فلاسفه در تعریف عدل گفته‌اند: «وضع كل شيء في موضعه و اعطاء كل ذي حقَّ حقه» (سبزواری، ۱۳۹۱: ۵۴) که بیانگر معنای یاد شده است. عدل، رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به دیگران است (اگر عمل نیک است، پاداش و اگر بد است، کیفر داده می‌شود). عدالتی که جزو اصول مذهب است، یکی از صفات خدا است و در اصل خداشناسی که نخستین اصل از اصول دین است، قرار دارد (دبیری، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

خدای متعال، نسبت به هیچ کس ظلم نمی‌کند و کاری که عقل سالم آن را زشت می‌شمارد را انجام نمی‌دهد (فؤادیان دامغانی، ۱۳۸۲: ۲۲). خداوند عادل است و جهان را بر مبنای عدالت آفریده است. روزی مردم را اندازه‌گیری فرموده و از روی عدالت به هر کدام نصیبی از وسعت رزق و تنگدستی داده است. جز به عدالت فرمان نمی‌دهد و به ستم، پاداش کسی را ضایع نخواهد کرد (داودی، ۱۳۹۷: ۱۸۰).

در مجموع می‌توان گفت که برخی از معانی مهم عدل عبارتند از: ۱- رعایت تساوی و اجتناب از تبعیض، ۲- رعایت حقوق دیگران (إعطاء كل ذي حقَّ حقه)، ۳- قرار گرفتن افراد و اشیا در جایگاه شایسته خود (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۷، ۱: ۳۱۵).

۲. اقسام کلی عدل الهی

۲-۱. عدل تکوینی

عدل تکوینی بدین معنا است که نظام هستی و جهان آفرینش بر عدل استوار است، خداوند هر موجودی را بر جای شایسته خود نشانده و وجود و کمال بایسته را بدو عطا کرده است (خطیبی کوشکک، ۱۳۸۵: ۳۳۶). خداوند به هر موجودی به اندازه شایستگی‌های او از مواهب و نعمت‌ها عطا می‌کند و هیچ استعداد و قابلیت را در این زمینه بی‌پاسخ نمی‌گذارد

(سعیدی مهر، ۱۳۹۷، ۱: ۳۱۶).

آیاتی نظیر «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» (انعام: ۷۳) و «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۱۸) به این نوع از عدل الهی اشاره دارد.

۲-۲. عدل تشریعی

خداوند در وضع تکالیف و جعل قوانینی که سعادت و کمال انسان در گرو آن است، فروگذار نمی کند و هیچ انسانی را به عملی که بیش از استطاعت و طاقت اوست مکلف نمی سازد. آیه «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره: ۲۸۶) به این نوع از عدل الهی اشاره دارد. (سعیدی مهر، ۱۳۹۷، ۱: ۳۱۶)

۲-۳. عدل جزایی

خداوند در مقام پاداش و کیفر بندگان، جزای هر انسانی را متناسب با اعمالش مقرر می کند. همچنین عدل جزایی خداوند اقتضا دارد که هیچ انسانی به سبب تکلیفی که به او ابلاغ نشده است، مجازات نشود. آیاتی نظیر «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس: ۱۲) و «وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ إِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِمَا نَبْنَاءُ حَاسِبِينَ» (انبیاء: ۴۷) به این نوع از عدل الهی اشاره دارد (سعیدی مهر، ۱۳۹۷، ۱: ۳۱۶-۳۱۷).

در قرآن کریم واژه عدل و مشتقات آن، هیچ گاه در مورد خداوند و صفات او به کار نرفته، بلکه تنها در مورد عمل و وظیفه انسان ها به کار رفته است و به جای آن، تعبیر برقراری قسط که معنایی تقریباً معادل با عدل دارد، در مورد خداوند دیده می شود؛ مانند «قَائِمًا بِالْقِسْطِ» (آل عمران: ۱۸). همچنین تعبیر نفی ظلم از خداوند متعال در قرآن فراوان دیده می شود؛ مانند «أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» (آل عمران: ۱۸۲)، «فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ» (توبه: ۷۰)، «وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹) و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» (نساء: ۴۰).

با توجه به این که هدف از تفسیر آیات قرآن تلاش برای پرده برداشتن از مراد خداوند از آیات الهی است، همان طور که علامه طباطبایی تفسیر را چنین معنا می کند: «بیان معانی آیات قرآنی

و کشف مقاصد و مدالیل آن است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱: ۷) از این رو، به دلیل جلوگیری از دچار شدن به تفسیر به رأی سعی شده است به جای رجوع مستقیم به قرآن، به تفاسیر مراجعه شود.

در این مقاله، از تفاسیر *المیزان فی تفسیر القرآن* اثر علامه سید محمد حسین طباطبایی با رویکرد کلامی شیعی اجتهادی، قرآن به قرآن، اجتماعی، ادبی بلاغی، فلسفی و *اطیب البیان فی تفسیر القرآن* اثر عبدالحسین طیب با رویکرد کلامی شیعی اجتهادی، هدایتی و تربیتی استفاده شده است که با توجه به این که *المیزان* یکی از منابع اصیل تفسیر قرآن در دوران معاصر به شمار می‌رود؛ به طوری که موسوعه‌ای جامع از مباحث عمیق قرآنی، حدیثی، فلسفی، کلامی، عرفانی و... است. این تفسیر به عنوان یکی از منابع اصلی این مقاله انتخاب شد؛ همچنین *اطیب البیان* نیز به عنوان منبع دوم این مقاله در نظر گرفته شد؛ چون نویسنده این تفسیر نیز مباحث کلامی را به طور مفصّل بیان کرده، در هر قسمت به طور مستدل نظر داده و با دلایل عقلی و نقلی آن را اثبات نموده و پس از آن، نظر معصومان علیهم السلام را بیان کرده است، البته پیش فرض‌های متفاوت دو مفسّر نقش آسیب‌زایی در روند تحقیق ندارد؛ زیرا در روش داده‌بنیاد فهم گزاره‌ها نقش اساسی در تشکیل عنوان ابتدایی دارد و محقق با در نظر گرفتن تفاوت پیش فرض‌ها در نزد هر دو مفسّر می‌تواند با انتخاب عنوان مناسب برای هر داده، وحدت رویه مورد نظر در به دست آوردن الگوی نهایی را دنبال کند.

۳. روش داده‌بنیاد تحقیق

مطالب این مقاله به روش داده‌بنیاد گردآوری شده است. این روش مستلزم جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان و زنجیره‌وار داده‌ها است. نمونه‌پردازی نظری در نظریه داده‌بنیاد به این معنا است که اشکالی از جمع‌آوری داده‌ها را انتخاب می‌کند که متون بر تصوّرات مفیدی در راستای تولید یک نظریه به دست خواهد داد. این به این معنا است که نمونه‌برداری ارادی است و تصادفی نیست و متمرکز بر تولید یک نظریه است. در این روش، تمرکز سؤال‌های پژوهش، ایجاد مفاهیم و دسته‌های مرتبط داده و تلفیق چارچوب‌های نظری ایجاد شده است که منعکس‌کننده آن هستند که چگونه درباره گردآوری و شکل داده‌ها باید فکر کرد. در این روش، برای دستیابی به الگو، از یک روند سازماندهی داده‌ها استفاده می‌شود که به آن کدگذاری

گفته می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۱۵) مراحل دست‌یابی به الگوی نهایی با استفاده از داده‌های اولیه به شکل زیر است:

داده ← کدها (مفاهیم) ← مؤلفه‌ها ← الگو

استراوس و کوربین از بنیانگذاران این روش، آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تئوری مفهوم‌سازی بنیادی، نوعی استراتژی کیفی است که برای تدوین تئوری در مورد یک پدیده به صورت استقرایی، مجموعه‌ای سیستماتیک از رویه‌ها را به کار می‌برد.» (آذربایجانی، ۱۳۹۶: ۹)

نظریه داده‌بنیاد به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی مختلف، این امکان می‌دهد تا به جای آنکه به نظریه‌های موجود و از پیش تعیین شده خود به تدوین نظریه و گزاره بپردازد.

مراحل کدگذاری در پژوهش‌های کیفی شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی می‌باشد. در مرحله کدگذاری باز مفاهیم درون منابع و بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند که نتیجه این مرحله، تقطیر و خلاصه کردن انواع اطلاعات کسب‌شده از مطالب است.

مرحله دوم کدگذاری محوری است که هدف از آن، ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولیدشده در مرحله کدگذاری باز است. این عمل به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرآیند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد.

مرحله سوم کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت، ارائه کرده و مقوله‌هایی که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند را اصلاح می‌کند (مرادی، ۱۳۹۳: ۶).

این تحقیق اگرچه مبنای خود را بر روش داده‌بنیاد قرار داده است، اما با توجه به این‌که از این روش غالباً در موضوعات مدیریتی و تحلیل‌های آماری استفاده شده و در پژوهش‌های دینی و قرآنی از این روش کم‌تر استفاده شده است؛ از این رو، تلاش شده است تا از این شیوه و مراحل کدگذاری آن الگو گرفته، اما نه دقیقاً مشابه با مراحل بیان‌شده در روش داده‌بنیاد، بلکه سعی شده است تا روشی نو در این زمینه ارائه داده و در زمینه عدل الهی به الگو و مدل تقسیم‌بندی جدیدی دست یابد.

۱-۳. روند اجرای تحقیق

در این مرحله از مقاله هم‌زمان با گردآوری داده‌ها و بررسی سطر به سطر و عبارت به عبارت تفاسیر المیزان و اطيّب‌البیان با موضوع عدل الهی، مفاهیم شناسایی شده و به هر کدام یک مفهوم یا کد داده می‌شود؛ به طور نمونه از عبارت: «هَاتَانِ خَصَلَتَانِ حَسَنَةٌ وَسَيِّئَةٌ يَجْزِي فِيهِمَا مَا يَمَاطُلُهُمَا وَلَا ظُلْمَ فَإِنَّ الْجَزَاءَ يَمَاطِلُ الْعَمَلَ» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷: ۳۹)، مفهوم متناسب بودن جزا با عمل به دست آمده است یا از عبارت «لَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا ظُلْمًا مِنْهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ فَإِنَّ الْعَمَلَ الْفَاسِدَ لَا يَأْتِي إِلَّا بِالْأَثَرِ الْفَاسِدِ» (همان، ۳: ۳۸۶)، مفهوم ظلم نبودن اثر فاسد در پی عمل فاسد استخراج شده است یا برای عبارت «مُسَوِّقٌ لِلْإِشَارَةِ إِلَى أَنْ مَا إِبْتَلَى بِهِ هُوَ لِإِذَا الْمَحْرُومُونَ مِنَ السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ مِنْ جِهَةِ الضَّمِّ وَ الْعُمَى مِنْ آثَارِ ظُلْمِهِمْ أَنْفُسِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ تَعَالَى ظَلَمَهُمْ بِسَلْبِ السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ عَنْهُمْ فَإِنَّهُمْ إِنَّمَا أُوتُوا مَا أُوتُوا مِنْ قَبْلِ أَنْفُسِهِمْ» (همان، ۱۰: ۶۸) که ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (یونس: ۴۴) بیان شده، «محرومیت‌های باطنی نتیجه عمل خود انسان‌ها است»، به دست آمده است.

نکته مهم در انتخاب کدها این است که این کدها دقیقاً معنا و مفهومی است که مفسر المیزان و یا اطيّب‌البیان در بیان معنای آیه بیان کرده‌اند. به عبارت دیگر، کد عبارت است از معنایی که مفسر از آیه فهمیده است و آن را در تفسیرش بیان کرده است. نهایت اقدامی که توسط محقق انجام می‌گیرد، این است که این معنا کشف و به صورت یک عنوان مفرد بیان می‌شود.

در مثال بالا وقتی علامه طباطبایی بیان می‌دارد که این آثار و محرومیت‌هایی که برای فرد ایجاد می‌شود، در نتیجه عمل خودش است و خداوند به آن‌ها ظلم نکرده است و این معنا مستفاد از آیه مربوطه است؛ در نتیجه، برای کدگذاری دقیقاً همین مفهوم به صورت مفرد بیان می‌شود که کد «محرومیت‌های باطنی نتیجه عمل خود انسان‌ها» برای این داده انتخاب شد.

در مجموع ۹۴ کد یا مفهوم از آیات و تفاسیر به دست آمد که به دلیل این که بیان تمامی این کدها در مقاله امکان‌پذیر نیست و از طرفی در روش تحقیق داده‌بنیاد نیز هیچ‌گاه تمامی کدها بیان نمی‌شود، بلکه در نهایت گزارشی از روند کار و نتایج تحقیق ارائه می‌گردد، بنابراین نمونه‌هایی از این کدها در قالب جدول شماره ۱ ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۱: کدگذاری داده‌ها

شناسه	داده	کد
P1	جمله ﴿ثُمَّ تَوَفَّى كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ﴾ که جزئی و کلی اعمال خیر و شرّ جزا داده خواهد شد و کوچکترین عملی بدون جزاء نمی‌ماند که مفاد آیه ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزال: ۷ و ۸) (طیب، ۱۳۶۹، ۳: ۷۵)	عدالت الهی در جزا دادن به کوچکترین عمل
P2	جمله ﴿وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾ که در اعمال خیر نقصانی از ثنوبات خداوند روا ندارد و جزای اوفی مرحمت می‌فرماید و در اعمال شرّ خردلی زائد بر استحقاق عبد عقوبت نخواهد نمود، بلکه چه بسا مورد عفو و گذشت واقع می‌شود و بالجمله عادل حکیم ظلم نمی‌کند، از حقّ مطیع کم نمی‌کند و بر عاصی افزوده نمی‌کند (طیب، ۱۳۶۹، ۳: ۷۵).	عدالت الهی در جزای خیر و شرّ به مطیع و عاصی
P3	الحکم الحقّ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳: ۱۲۶)	عدل بودن حکم الهی
P4	و وفیت کل نفس ما کسبت و الحکم حکم عدل و هم لا یظلمون (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳: ۱۲۶)	دریافت کامل اعمال در روز قیامت و عدم ظلم در بازپس‌گیری اعمال بندگان
P5	هو یوم القضاء الفصل (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳: ۱۲۶)	روز قیامت
P6	لیس ذلك إلا ظلما منهم لأنفسهم فإن العمل الفاسد لا يأتي إلا بالآثر الفاسد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳: ۳۸۶)	عدم ظلم بودن اثر فاسد در پی عمل فاسد
P7	﴿وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾ اگر عامل خیر را چیزی از حق او را ندهند، به او ظلم شده و عامل شر را اگر ما فوق استحقاقش عذاب کنند، به او ظلم شده است (طیب، ۱۳۶۹، ۳: ۴۱۴).	عدل الهی مساوی با دادن حق عامل خیر و عذاب عامل شر
P8	فلو لم یکن ذلك الحفظ و الجزاء لکان إهمالا لأمر نظام الأعمال و فی ذلك ظلم کثیر بکثرة الأعمال فیکون ظلما لعباده تعالی عن ذلك (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳: ۸۳).	لازم آمدن ظلم الهی با عدم ثبت اعمال بندگان
P9	وَ أَنَّ اللَّهَ لَیْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ و تعلیلی بر عدم ظلم الهی از طریق ثبت اعمال و عذاب.	تعلیلی بر عدم ظلم الهی از طریق ثبت اعمال و عذاب.
P10	تعبیر «بظلام» برای این است که هیچ‌گونه ظلمی از او صادر نمی‌شود (طیب، ۱۳۶۹، ۳: ۴۴۵)	نفی کننده هرگونه ظلم به بندگان
P11	لا یظلم ظلما یعدل ذرة وزنا (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۳۵۶).	عدم ظلم الهی حتی به اندازه یک ذره

شناسه	داده	کد
P12	از برای عدل سه معنی است: ۱- مقابل ظلم که تفسیر کردند به (اعطاء کل ذی حق حقه) و ظلم (منع کل ذی حق عن حقه)، ۲- عدل مقابل لعب و لهو و لغو و ۳- عدل به معنی فعل حسن که تمام افعال الهی حسن است فعل قبیح و زشت از او صادر نمی‌شود؛ یعنی تمام موافق حکمت و مصلحت و عین صلاح است (طیب، ۱۳۶۹، ۶: ۳۹۳).	سه معنا برای عدل (انواع عدل): ۱- عدل مقابل ظلم (اعطاء کل ذی حق حقه) و ظلم (منع کل ذی حق عن حقه)، ۲- عدل مقابل لعب و لهو و لغو و ۳- عدل به معنی فعل حسن
P13	و قبیح ظلم عقلی است به حکم عقل. فعل قبیح محال است از خداوند صادر شود زیرا فاعل قبیح یا جاهل به قبح آن است یا به واسطه جلب منفعتی مرتکب می‌شود یا تشقی و تمام این‌ها در حق خداوند محال است (طیب، ۱۳۶۹، ۶: ۳۹۳).	قبح ظلم به حکم عقل وامحال صدور فعل قبیح از خداوند
P14	فالتزکیة لله سبحانه لا یصدر عنه تعالی إلا حقا (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۳۷۳).	تزکیه وستایش حقی مخصوص خداوند
P15	لا یشارکه فیہ غیره إذ لا یصدر عن غیره إلا من ظلم و إلى ظلمه (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۳۷۳).	معصیت و ظلم بودن تزکیه نفس
P16	و لا یصدر عنه تعالی إلا حقا و عدلا یقدر بقدره لا یفرط و لا یفرط، و لذا ذیل قوله: بل الله یزکی من یشاء بقوله- و هو فی معنی التعلیل-: ﴿و لا یظلمون قتیلاً﴾ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴: ۳۷۳).	به حق و عدالت بودن تزکیه الهی
P17	﴿و لا یظلمون نقیراً﴾ لتدل الجملة الأولى علی أن النساء ذوات نصیب فی المثوبة كالرجال، و الجملة الثانية علی أن لا فرق بینهما فیها من حیث الزیادة و النقص فی المثوبة (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵: ۸۸).	عدالت الهی در عدم تفاوت بین زن و مرد در دریافت پاداش و جزا
P18	هاتان خصلتان حسنة و سیئة یجزی فیهما ما یمائلهما و لا ظلم فإن الجزاء یمثل العمل (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷: ۳۹۰).	متناسب بودن جزا و پاداش با عمل
P19	بأن الله لیس بظلام للعبید اى لا یظلم أحدا من عبیده (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۹: ۱۰۱).	عدم ظلم الهی به احدی از بندگان
P20	ولم یکن من شأن السنة الإلهیة أن یظلمهم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۹: ۳۳۷).	از سنت خداوند نبودن ستم بر قومی
P21	لأنه بین لهم الحق الباطل، و میز الرشد من الغی، و الهدی من الضلال. ولكن كان أولئك الأقوام و الأمم أنفسهم یظلمون بالاستمتاع من نصیب الدنيا و الخوض فی آیات الله و تکذیب رسله (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۹: ۳۳۷).	علت عدم ظلم خداوند بر بندگان: روشن ساختن راه حق و باطل توسط خداوند و اختیار انسانها در انتخاب راه

شناسه	داده	کد
P22	ما ظلمناهم فی إنزال العذاب علیهم و إهلاکهم إثر شرکهم و فسوقهم و لكن ظلموا أنفسهم حین أشركوا و خرجوا عن زی العبودیة (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱: ۶).	عدم ظلم الهی در فرستادن عذاب در پی شرک و فسق انسانها
P23	کلما کان عمل و عقوبة علیه کان أحدهما ظلما إما العمل و إما العقوبة علیه فإذا لم تكن العقوبة ظلما کان الظلم هو العمل استتبع العقوبة. فمحصل القول أنا عاقبتهم بظلمهم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱: ۶).	ظلم نبودن عقوبت الهی در پی عمل ظلم
P24	أن الذی نزل بهم من العذاب لم يستوجبه إلا الظلم، غیر أن هذا الظلم کان هو ظلمهم أنفسهم لاطلما منه تعالی و تقدس (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۲۳).	عدم ظلم الهی در پی نزول عذاب در مقابل گناه و ظلم انسانها بر خودشان
P25	و لم یعذبهم الله سبحانه عن ظلم وقع منهم مرة أو مرتین بل أمهلهم إذ ظلموا حتی استمروا فی ظلمهم و أصروا علیه - كما يدل علیه: كانوا أنفسهم یظلمون - فعند ذلك أنزل علیهم العذاب، ففی قوله: ﴿و ما ظلمهم الله﴾ إثبات الاستمرار علی الظلم علیهم و نفی أصل الظلم عن الله (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۲۳)	نزول عذاب در پی استمرار ظلم از جانب گناهکاران نفی کننده ظلم از ناحیه خداوند سبحان
P26	قوله تعالی: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا یُظْلِمُ النَّاسَ شَیْئاً وَ لَکِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ یُظْلِمُونَ﴾ مُسَوِّقٌ لِلإِشَارَةِ إِلَى أَنْ مَا إِبْتَلَى بِهِ هَؤُلَاءِ الْمَحْرُومُونَ مِنَ السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ مِنْ جِهَةِ الصُّمِّ وَ الْعُمَى مِنْ آثَارِ ظُلْمِهِمْ أَنْفُسِهِمْ مِنْ غَیْرِ أَنْ یُکُونَ اللَّهُ تَعَالَى ظَلَمَهُمْ بِسَلْبِ السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ عَنْهُمْ فَإِنَّهُمْ إِنَّمَا أُوتُوا مَا أُوتُوا مِنْ قَبْلِ أَنْفُسِهِمْ (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰: ۶۸)	محرومیت های باطنی نتیجه عمل خود انسانها
P27	إن الله یقضی و یحکم بینهم بالقسط و العدل من غیر أن یظلمهم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰: ۷۱)	قضاوت الهی براساس قسط و عدل بدون هیچ ظلمی
P28	فإن القضاء إنما ینبغی فیما اختلف فیهِ، و لذا کان السؤال عن القسط و عدم الظلم فی القضاء فی مورد العذاب و الضرر أسبق إلى الذهن (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰: ۷۱)	قضاوت علیه بندگان از روی عدالت نه حق کشی
P29	جمله ﴿و قُضِيَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ﴾ دلالت می کند بر این که آنچه عذاب شوند کمتر از استحقاق آن ها است و لو به قدر علم خود آن ها را عذاب فرماید ﴿و هُمْ لَا یُظْلَمُونَ﴾ زائد بر استحقاق عذاب نمی شوند (طیب، ۱۳۶۹، ۶: ۴۰۶)	قضاوت بین بندگان بر اساس قسط و عدل و عدم عذاب الهی زائد بر استحقاق
...		
P94	العذاب فی الآیة هو القضاء و العذاب الدنیویان لاغیر (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰: ۷۵)	مکان این عذاب: در صحنه قیامت

۲-۳. ارتباطی کدها و استخراج مؤلفه‌ها

در این مرحله بعد از مقایسه کدها و مفاهیم استخراج شده، با توجه به وجه اشتراک کدها، آن‌ها دسته‌بندی شده و ذیل ۷ مؤلفه قرار داده شدند. در مرحله بعد نیز این مؤلفه‌ها ذیل عناوین اولیه و ثانویه قرار گرفتند. نتیجه به دست آمده از این دسته‌بندی در قالب جدول شماره ۲ ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۲: انتخاب مؤلفه و عناوین برای مفاهیم

شناسه‌ها	عناوین اولیه (کد)	عناوین ثانویه	مؤلفه
1) p2- p7- p23- p52- p53- p70 2) p1- p67 3) p29- p31- p29- p57 4) p8- p9 5) p4-p31- p39- p38- p37- p60- p62- p69 6) p32	۱- پاداش و جزای الهی ۲- دقت در محاسبه اعمال ۳- معامله با بندگان به اندازه استحقاق ۴- ثبت اعمال ۵- دریافت کامل اعمال و تجسم اعمال در قیامت ۶- تحریم طبیبات	روش‌های عدل الهی	عوامل عملی
1) p6 2) p18- p55 3) p45 4) p59	۱- اثر فاسد در پی عمل فاسد ۲- متناسب بودن پاداش و جزا با عمل ۳- ظلم انسان‌ها با گناه و معصیت بر خود نفی‌کننده ظلم الهی ۴- مجازات الهی بعد از اتمام حجت	ویژگی‌های عدل الهی	عوامل نظری
P12- p35- p49- p65- p66	۱- قرار گرفتن شیء در جایگاهش ۲- ترک ظلم ۳- ترک لعب و لهو و لغو ۴- ترک قبیح ۵- قسط و بهره عادلانه	معنای عدل	مفهوم‌شناسی

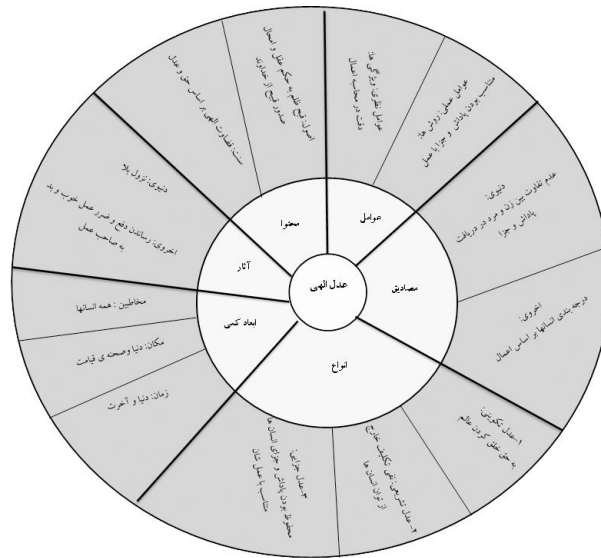
1) p42- p13 2) p15 3) p16 4) p14 5) p36 6) p63 7) p64 8) p71	۱- قبح ظلم به حکم عقل و امحال صدور قبیح از خداوند ۲- معصیت و ظلم بودن تزکیه نفس ۳- به حق و عدل بودن تزکیه الهی ۴- تزکیه حقی مخصوص خداوند ۵- عدل الهی یکی از اصول مذهب شیعه ۶- عادل بودن خدای سبحان و شهادت او به وحدانیت خودش ۷- عدل محض بودن فعل خداوند ۸- عدل از صفات فعل الهی	اصول	محتوا
	1) p3- p27- p28- p29- p46- p15- p68 2) p10- p11- p19- p20- p51- p61	۱- قضاوت الهی بر اساس حق و عدل ۲- نفی هرگونه ظلم الهی به احدی از بندگان	
P17	عدم تفاوت بین مرد وزن در دریافت پاداش و جزا	دنیوی	مصادیق
1) p56 2) p54	۱- درجه بندی انسانها بر اساس اعمال ۲- خلق عالمی ماورای این دنیا	اخروی	

P5- p47	۱- دنیا ۲- قیامت	زمان	ابعاد کمی	
	p30- p34- p44- p48	۱- دنیا ۲- صحنه قیامت		مکان
	P33- p41- p58	۱- بنی اسرائیل ۲- مؤمنان ۳- مشرکان		مخاطبین

P72- p73	۱- به حق خلق کردن عالم ۲- اعطای مواهب الهی به هر موجودی به اندازه شایستگی هایش	تکوینی	انواع
P41	نفی تکلیف حرجی خارج از توان انسانها چه در اعتقادات و چه در عمل	تشریحی	
P40	محفوظ بودن جزای انسانها متناسب با عملشان	جزایی	
1) p22- p24- p25 2) p43 3) p26 4) p21	۱- نزول عذاب ۲- نزول بلا ۳- محرومیت های باطنی ۴- روشن ساختن راه حق و باطل توسط خدا و اختیار انسانها	دنیوی	آثار
P50	رساندن نفع و ضرر عمل خوب بد به صاحب عمل	اخروی	

۳-۳. استخراج الگو

در مرحله آخر با توجه به مراحل گذشته، الگوی عدل الهی ترسیم می‌گردد. در این الگو عدل الهی در ذیل مواردی مانند عوامل، مصادیق، محتوا، آثار، انواع و ابعاد کمی بررسی شده است که عبارتند از:



مدل الگوی عدل الهی

این الگو عوامل عدل الهی را به دو شاخه نظری و عملی تقسیم کرده است؛ به طوری که عوامل نظری شامل ویژگی‌های عدل الهی مانند دقت در محاسبه اعمال و عوامل عملی شامل روش‌های عدل الهی مانند متناسب بودن جزا با عمل است.

در این الگو، مصادیق عدل الهی در دو بخش مصادیق دنیوی مانند عدم تفاوت بین زن و مرد در دریافت جزا و مصادیق اخروی مانند درجه بندی انسان‌ها بر اساس اعمالشان قرار گرفته و ابعاد کمی عدل الهی در سه بخش زمان، مکان و مخاطبان قرار داده شده است؛ به طوری که عدل الهی همیشه و همه جا چه در دنیا و چه در قیامت جاری است و شامل حال همه انسان‌ها می‌شود.

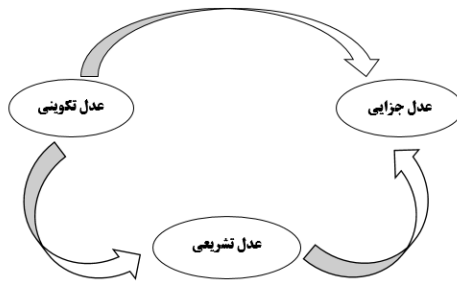
آثار عدل الهی در دو بخش دنیوی و اخروی قرار دارد؛ بدین صورت که نزول عذاب، نزول بلا، محرومیت‌های باطنی، روشن ساختن راه حق و باطل توسط خدا و اختیار انسان‌ها از آثار

عدل الهی در دنیا و رساندن نفع یا ضرر عمل خوب و بد به صاحب عمل از آثار عدل الهی در آخرت است.

محتوای عدل الهی در دو بخش اصول که شامل قبح ظلم به حکم عقل و امحال صدور قبیح از جانب خداوند است و سنت که شامل قضاوت الهی بر اساس حق و عدالت، قرار گرفته است.

بر اساس داده‌های به دست آمده، انواع عدل الهی عبارتند از عدل تکوینی مانند به حق خلق کردن عالم، عدل تشریحی مانند نفی تکلیف خارج از توان انسان‌ها و عدل جزایی مانند محفوظ بودن پاداش و جزای انسان‌ها متناسب با عملشان. با دقت در ارتباط انواع سه‌گانه عدل با یکدیگر می‌توان به این حقیقت رسید که این سه نوع عدل بی‌ارتباط باهم نبوده و می‌توان برای ارتباط آن‌ها به الگوی جدیدی دست یافت. با این توضیح که از نتایج عدل تکوینی و عدل تشریحی از جانب خداوند، لزوم وجود عدل الهی در روز قیامت و محفوظ بودن پاداش و جزای انسان‌ها متناسب با عملشان است؛ به طوری که روز جزا نتیجه عدل تکوینی و تجلی‌گر اوامر و نواهی الهی در ضمن عدل تشریحی است.

الگوی شماره ۲
ارتباط انواع سه‌گانه عدل



نتیجه‌گیری

در این مقاله قصد بر آن بود تا ابعاد و مؤلفه‌های عدل الهی از دیدگاه قرآن و بر اساس تفاسیر المیزان و اطیب البیان در قالب مدل ارائه گردد؛ از این رو، سعی شده است تا روشی نو در این زمینه ارائه گردد و در زمینه عدل الهی به الگو و مدل تقسیم‌بندی جدیدی دست یافته شود؛ بنابراین با رجوع به قرآن و تفاسیر المیزان و اطیب البیان و با به‌کارگیری روش داده‌بنیاد

متنی به استخراج و مقوله‌بندی مفاهیم اقدام شد و پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده، نتایج جدید در قالب مدل ارائه گردید. به طور کلی، مهم‌ترین نکاتی که در مورد عدل الهی استنباط‌شده به شرح زیر است:

۱. تحقق عدل الهی متأثر از عوامل نظری که شامل ویژگی‌ها است و عوامل عملی است که شامل روش‌ها است؛ به طور مثال، از ویژگی‌های عدل الهی دقت در محاسبه اعمال است و از روش‌های عدل الهی متناسب بودن جزا با عمل است.

۲. آثار عدل الهی عبارتند از آثار دنیوی مانند نزول بلا و آثار اخروی، مانند رساندن نفع و ضرر عمل خوب و بد به صاحب عمل.

۳. مصادیق عدل الهی عبارتند از: مصادیق دنیوی مانند عدم تفاوت زن و مرد در دریافت جزا و مصادیق اخروی عبارتند از درجه‌بندی انسان‌ها براساس اعمال و خلق عالمی ماورای این دنیا.

۴. ابعاد کمی عبارتند از زمان عدل الهی که شامل دنیا و آخرت است، مکان عدل الهی که شامل دنیا و صحنه قیامت است و مخاطبان عدل الهی که همه انسان‌ها هستند.

۵. محتوا عبارتند از اصول که شامل قبح ظلم به حکم عقل و امحال صدور قبیح از جانب خداوند است و سنت که شامل قضاوت الهی بر اساس حق و عدل است.

۶. بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، انواع عدل الهی عبارتند از: الف) عدل تکوینی که عبارتند از به حق خلق کردن عالم است، ب) عدل تشریحی به این معنا که اوامر و نواهی و هر آنچه خداوند بر انسان تکلیف کرده است، بر اساس دادگری و عدالت است و تکلیف سخت خارج از توان انسان‌ها نفی شده است، ج) عدل جزایی که عبارتند از محفوظ بودن جزای انسان‌ها متناسب با عملشان، با دقت در ارتباط انواع سه‌گانه عدل به این حقیقت رسیدیم که از نتایج عدل تکوینی و عدل تشریحی از جانب خداوند، لزوم وجود عدل الهی در روز قیامت و محفوظ بودن جزای انسان‌ها متناسب با عملشان است. در این تحقیق تلاش شده است تا در کنار مطالبی که در منابع دیگر در موضوع عدل الهی بیان شده، در قالبی جدید با زاویه‌نگاهی جدید و در ابعادی متفاوت، مصادیق و کاربردهای عدل الهی در قرآن با تکیه بر تفاسیر المیزان و اطیب‌البیان بررسی شده و بیان گردد. از این رو، سعی شده است تا روشی نو در این زمینه ارائه داده و در زمینه عدل الهی به الگو و مدل تقسیم‌بندی جدیدی دست یابد.

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۳۷۵)، لسان العرب، بيروت، دارالبيروت.
۲. آذربایجانی، نفیسه، شکرانی، رضا، لطیفی، مهدی، (۱۳۹۶)، «الگوی تأثیر قلب بر سامانه تفکر از منظر روایات بر اساس روش داده‌بنیاد»، مجله علوم حدیث، ش ۲، ص ۹.
۳. خطیبی کوشکک، محمد، (۱۳۸۵)، فرهنگ شیعه، قم، زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.
۴. دانایی فرد، حسن و امامی، مجتبی، (۱۳۸۶)، «استراتژی‌های پژوهش کیفی، تأملی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد»، فصلنامه اندیشه مدیریت، سال اول، ش دوم، ص ۱۵.
۵. داودی، محمد، (۱۳۹۷)، تربیت دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. دبیری، محمد، (۱۳۸۰)، تکامل اخلاق در پرتو اصول عقاید، مشهد، جوان یاوران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم.
۸. سبزواری، هادی بن محمد، (۱۳۹۱)، شرح الاسماء الحسنی، ترجمه: علی شیخ‌الاسلامی، قم، نوید اسلام.
۹. سعیدی مهر، محمد، (۱۳۹۷)، آموزش کلام اسلامی، قم، کتاب طه.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، قم، نشر هجرت.
۱۳. فؤادیان دامغانی، رمضان، (۱۳۸۲)، سیمای عدالت در قرآن و حدیث، تهران، لوح محفوظ.
۱۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۵. مرادی، محسن، (۱۳۹۳)، «انواع کدگذاری در تحقیق کیفی»، آکادمی تجزیه و تحلیل آماری ایران، ص ۶.
۱۶. معلوف، لوئیس، (۱۳۸۰)، المنجد فی اللغة، قم، ذوی القربی.